معرفت اقتصاد اسلامی سال سوم، شماره اول، پیاپی پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۴۷ ـ ۷۸
Ma'rifat-e Eghtesadi-e Islami, Vol.3. No.1, Fall& Winter 2011-12

بررسی الگوی تفکیک عقود در بانک‌داری اسلامی

پرویز داودی* / محمد بیدار**

چکیده

الگوی فعلی بانک‌داری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم مزایای فراوانی که نسبت به الگوی بانکی قبل از انقلاب اسلامی دارد، از نارسائی‌ها و اشکالاتی رنج می‌برد. در سال‌های اخیر پیشنهادهایی برای ارائه الگوهای جایگزین مطرح شده است. الگوی تفکیک بانک‌ها به قرض‌الحسنه، سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ، یکی از آن‌ها محسوب می‌گردد. در این مقاله، به بررسی میزان کارامدی الگوی تفکیک و توانایی آن برای رفع اشکلات الگوی موجود در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. فرضیه مقاله این است که الگوی تفکیک مطرح شده نسبت به الگوی فعلی بانک‌داری بدون ربا در ایران کارآمد تر است. برای بررسی این فرضیه، ۱۶ معیار فقهی،اخلاقی و اقتصادی به عنوان شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب طرح شده اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که الگوی تفکیک مزبور معیارهای بانک‌داری مطلوب اسلامی را به میزان ۹۳ درصد تامین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی تفکیک، شاخص، بانک‌داری اسلامی، معیار تفکیک عقود.

طبقه بندیJEL: G0, G21.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی p_davoodi@yahoo.com
** کارشناس ارشد اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۷ـ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

مقدّمه

نهاد بانک از جایگاه برجسته‌ای در اقتصاد امروز برخوردار است. بر همین اساس، الگوهای مختلفی در بانک‌داری به منظور تجهیز و تخصیص بهینهٔ منابع بانکی با یکدیگر در حال رقابت هستند. در این میان، الگویی موفق‌تر است که بتواند خود را با میزان بالاتری از شاخص‌های بانک‌داری مطلوب مطابقت دهد. بانک‌داری اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست. بنابراین، الگوهایی که در بانک‌داری اسلامی مطرح می‌شود، همگی از میزان مطلوبیت یکسانی برخوردار نیست، بلکه درجات گوناگونی از حیث مطابقت با شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب در بین آنها وجود دارد. در این میان، الگوی «تفکیک بانک‌ها به قرض‌الحسنه، سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ» به عنوان یکی از الگوهای بانک‌داری اسلامی مطرح گردیده است. طراحان این الگو معتقدند که این الگو به دلیل انطباق بیشتر با شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب، موجب افزایش جلب اعتماد عمومی مردم به بانک‌ها و در نتیجه، افزایش سطح سپرده‌گذاری در بانک‌های کشور می‌گردد. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا این ادعا را با توجه به شاخص‌های بانک‌داری اسلامی بررسی کنیم.

پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ الگوی «تفکیک»، می‌توان میان دو دسته از آثار تحقیقی تمایز قایل شد:

در برخی آثار، تنها اصل طرح «تفکیک» مطرح شده است. برای نمونه، *محمود عیسوی* در پایان‌نامهٔ دکتری خود، با عنوان «ساختار بازار سرمایه در اسلام» به صورت گذرا به طرح الگوی «تفکیک» در مقابل الگوی «جامع» در نظام بانکی پرداخته است.[۱] *محمود عیسوی* همچنین در مقاله‌ای به برخی از جنبه‌های خاص الگوی تفکیک اشاره کرده است.[۲]

دستهٔ دوم تحقیقات به آثاری اختصاص دارد که به نوعی به الگوی تفکیک اشاره کرده اند. برای نمونه، *پرویز داودی* و *حسین صمصامی* در کتاب ***به سوی حذف ربا از نظام بانکی ایران***، طرح «تفکیک میان بانک‌های قرض‌الحسنه، سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ» را به عنوان الگویی به منظور حذف ربا از نظام بانکی کشور مطرح کرده‌اند.[۳] *محمّدجواد محققنیا* در پایان‌نامهٔ دکتری خود با عنوان «ساختار بانک‌داری اسلامی و ارائهٔ الگویی برای

بانک‌داری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران» به طور خاص، به تبیین مزایای الگوی «تفکیک» پرداخته است.[٤]

با توجه به نوپا بودن ادبیات تفکیک، بسیاری از جنبه‌های اساسی این طرح هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است. برای رفع این نقیصه، مقالهٔ حاضر پس از ذکر مؤلّفه‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب، به بررسی میزان تحقق این مؤلّفه‌ها در الگوی تفکیک پیشنهادی *پرویز داودی* و *حسین صمصامی* می‌پردازد.

روش‌شناسی ارزیابی الگوهای بانک‌داری اسلامی

روش ارزیابی و بیان میزان موفقیت الگوهای بانک‌داری اسلامی تطبیق آن با معیارها و شاخصه‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب است. به همین دلیل، شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب، که در سه بخش فقهی، اخلاقی و کارامدی تعریف گردیده، در این قسمت معرفی می‌شود. شاخص‌های فقهی شامل میزان سلامت معاملات بانکی از ربا، میزان صوری نبودن معاملات، میزان ضرری نبودن معاملات، میزان سلامت معاملات از غرر و میزان حرام نبودن معاملات بانکی می‌گردد. شاخص اخلاقی به جایگاه قرض‌الحسنه در تجهیز و تخصیص منابع بانکی توجه دارد و به میزان ترویج قرض‌الحسنه در بانک‌داری اشاره دارد. شاخص‌های کارامدی نیز مواردی مانند میزان استفاده از نیروهای متعهد و متخصص، میزان استفاده از فناوری‌ها، میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پربازده، میزان جذب منابع بانکی، میزان گستردگی شعب و مطلوبیت مکانی آن‌ها، میزان مشتری‌مداری، میزان پایین بودن مطالبات معوّق بانکی، میزان تأثیرگذاری در رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور، میزان واقعی بودن معاملات بانکی و میزان ساده‌بودن متن قراردادهای بانکی را شامل می‌شود.

تبیین الگوی تفکیک در عقود

طرّاحان الگوی «تفکیک» با مدّ نظر قرار دادن اهدافی مانند حذف کامل ربا به عنوان اولین و اساسی‌ترین محور بانک‌داری اسلامی، گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه و تأمین نیازهای ضروری مردم از این طریق، هدایت صحیح منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری و تولید، ارتقای کارایی نظام بانکی از طریق تسهیل امور و افزایش نظارت‌های دقیق، برقراری قسط

و عدل و حرکت نظام بانکی در جهت تحقق عینی عدالت و تحصیل سود از طریق مشارکت واقعی در فرایند سرمایه‌گذاری[۵]، و برشمردن مزایایی مانند حذف رانت بانکی و بازگشت بانک به جایگاه اصلی خود،[۶] الگوی مورد نظر خود را ارائه داده‌اند.[۷]

اقسام بانک‌های موجود در الگو

در الگوی «تفکیک»، بر مبنای عقود، سه نوع بانک مطرح است:

۱. بانک‌های قرض‌الحسنه[۸]

بانک‌های قرض‌الحسنه از طریق حساب‌های «جاری» و «قرض‌الحسنه پس‌انداز» به تجهیز منابع پرداخته، اقدام به سپرده‌پذیری از مشتریان می‌کنند. جمع‌آوری سپرده‌ها از طریق حساب‌های مزبور، حق انحصاری این بانک‌هاست و بانک‌های سرمایه‌گذاری حق استفاده از این نوع حساب‌ها را ندارند. این بانک‌ها تمامی منابع خود را پس از کسر ذخایر قانونی و نقدینگی، به صورت قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و تنها مجاز به دریافت کارمزد هستند. به بیان ساده‌تر، بانک‌های قرض‌الحسنه بانک‌هایی هستند که هم در تجهیز منابع و هم در تخصیص آن‌ها، تنها از عقد قرض‌الحسنه استفاده نموده، حق بهره‌برداری از دیگر عقود اسلامی را در تجهیز و تخصیص منابع بانکی ندارند. تسهیلات قرض‌الحسنه برای تأمین نیازهای اساسی مانند ودیعهٔ مسکن، ازدواج، کمک هزینه، مخارج ناشی از حوادث و فوت، هزینه‌ها و مخارج زندگی، کمک هزینهٔ درمان، ادای دیون، سفرهای زیارتی، کمک هزینهٔ تحصیلی، خرید کالاهای بادوام، که نیاز ضروری هستند ـ مانند یخچال و ماشین لباس‌شویی ـ مصرف می‌گردد. همچنین نیازهای مالی بنگاه‌های کوچک و خرد،[۹] اعم از بنگاه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و تهیهٔ مسکن، از طریق تسهیلات قرض‌الحسنه تأمین می‌گردد.

بانک‌های قرض‌الحسنه می‌توانند علاوه بر تخصیص منابع، که صرفاً از طریق اعطای قرض‌الحسنه صورت می‌گیرد، با ارائه دیگر خدمات بانکی به مشتریان، از آنان کارمزد دریافت نمایند.

۲. بانک‌های سرمایه‌گذاری[۱۰]

بانک‌های سرمایه‌گذاری مؤسساتی هستند که امکان انتقال منابع مازاد در اقتصاد را به کمک

ابزارهای مالی به افرادی که دارای توانایی یا دانش فنی بوده و خواهان حضور فعّال در عرصهٔ اقتصاد هستند، ولی منابع مالی لازم را در اختیار ندارند، میسّر می‌سازند.

بانک سرمایه‌گذاری به منظور پوشش دادن به تقاضاهای سرمایه‌گذاری مشتریان و کارآفرینان به وجود می‌آید. این بانک واسطهٔ وجوه است و منابع مالی لازم را برای طرح‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ و متوسط از طریق پذیره‌نویسی، فروش سهام، سپرده‌های خاص و انتشار اوراق جمع‌آوری می‌کند. در واقع، امور مربوط به فعالیت‌های مشارکتی و برخی از فعالیت‌های مبادله‌ای از بانک‌های کنونی منفک شده است و به این قبیل بانک‌ها منتقل خواهد شد. بانک سرمایه‌گذاری علاوه بر انجام آن‌چه بر عهدهٔ شرکت‌های تأمین سرمایه گذاشته شده، از اختیارات و توانایی‌های دیگری نیز، از قبیل انتشار اوراق و ابزار مالی اسلامی برخوردار است. این بانک با انتشار اوراق و ابزار مالی اسلامی، که قابلیت خرید و فروش در بازارهای ثانویه داشته باشد، سهم گسترده‌ای در گسترش بازار سرمایه و اوراق بهادار ایفا می‌کند.

این بانک پس از مراجعهٔ شرکت‌ها و اخذ اطلاعات لازم بنا به محاسبات و برآوردهایی که انجام می‌دهد، اقدام به تأمین مالی شرکت‌ها از روش بیان شده نموده و بابت انجام این خدمات، کارمزد دریافت می‌کند. فروش سهام، پذیره‌نویسی و حرکت در جهت بازار سرمایه از مهم‌ترین وظایف این بانک است. ایجاد سپرده‌های خاص برای طرح‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ و انتشار انواع اوراق از دیگر وظایف این بانک است. اوراق منتشر شده باید حاوی مشخصات فنی – اقتصادی طرح باشد و سود پرداختی به افراد نیز با توجه به ابزارهای گوناگون، ممکن است ثابت و مشخص و یا بر اساس بازدهی طرح‌ها مشخص شود.

بانک سرمایه‌گذاری صرفاً برای سرمایهٔ در گردش و سرمایه‌گذاری‌های متوسط و بزرگ[11] تأمین مالی خواهد کرد؛ زیرا تسهیلات خرد از طریق قرض‌الحسنه اعطا می‌گردد. این بانک نقش وکالت از طرف سپرده‌گذاران را ندارد و در قبال نقش راهنمایی و واسطه‌گری که بین شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری با سپرده‌گذاران ایفا می‌کند، حق دریافت کارمزد دارد.

۳. شرکت‌های لیزینگ[۱۲]

«Lease» در زبان انگلیسی، به معنای اجاره دادن و کرایه کردن[۱۳] و در اصطلاح، نوع خاصی از قرارداد اجاره است که بین دو یا چند نفر شخصیت حقیقی یا حقوقی به منظور بهره‌برداری از منفعت کالای سرمایه‌ای یا مصرفی بادوام، که قابلیت اجاره دارد، منعقد می‌شود، به گونه‌ای که در پایان قرارداد، مستأجر، مالک عین مستأجره شود.[۱۴] بنابراین، «لیزینگ» توافق‌نامه‌ای است بین صاحب تجهیزات (موجر) و متقاضی استفاده از تجهیزات (مستأجر) که با شرایط معیّن برای مدت زمان معلوم و در ازای دریافت مبالغی مشخص (مال الاجاره) تنظیم می‌شود. در این توافق‌نامه، مواردی مانند طول دورهٔ قرارداد، مبلغ و سررسید پرداخت اقساط مال الاجاره، مشخصات تجهیزات مورد اجاره و در نهایت، شرایط و تاریخ انقضای قرارداد خریدار ذکر شده است.

شرکت‌های لیزینگ با مراجعه به بانک‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری و نیز از طریق اخذ اعتبار از مؤسسات مالی یا بانک‌های بین‌المللی و استفاده از اعتبارات داخلی و خارجی، تأمین مالی شده، کالاهای گوناگونی را خریداری می‌کنند. این شرکت‌ها برای تخصیص منابع، از دو شیوهٔ «اجاره به شرط تملیک» و «فروش اقساطی»، استفاده می‌کنند.

لازم به ذکر است که مقام‌های پولی کشور بر عملیات لیزینگ نظارت دارند و نرخ نسیه‌فروشی و حق‌الاجاره را با توجه به موارد گوناگونی مانند شرایط بازار، رقابت بین شرکت‌ها، و حقوق مصرف‌کنندگان تعیین می‌کنند.

کالاهایی را که شرکت لیزینگ خریداری می‌کند و به صورت «اجاره به شرط تملیک» یا «فروش اقساطی» در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد، ممکن است زمین، نیروگاه، صنایع، تأسیسات عظیم نفتی، رایانه، تجهیزات کارخانه‌ای، نرم‌افزار، خودرو، لوازم گران‌قیمت منزل، ابزار کار، ماشین‌آلات صنعتی، تجهیزات پزشکی، ابزار و آلات راه‌سازی و ساختمانی و معدنی، وسایل حمل و نقل دریایی ـ مانند انواع شناورها و کشتی‌های بزرگ ـ هواپیما، تجهیزات IT و مانند آن باشد. به هر حال، دایرهٔ کالاهای تحت مدیریت شرکت‌های لیزینگ به قدری از شمول و گستردگی برخوردار است که هر نوع اموال منقول و غیرمنقول را، که متقاضیان توان مالی لازم را برای خرید نقدی آن را نداشته و نیز بتوان منافع آن را به دیگری واگذار کرد، دربر می‌گیرد.

بررسی الگوی تفکیک عقود بر اساس شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب

با توجه به شاخص‌های ارائه شده در بخش روش‌شناسی، الگوی تفکیک عقود دارای نقـاط قوّت و ضعفی است که در ادامه بررسی می‌شود:

۱. بررسی میزان انطباق الگو با ربوی نبودن عقود

حساب‌های مورد استفاده برای تجهیز منابع در بانک‌های قرض‌الحسنه، عبـارت از حسـاب «پس‌انداز قرض‌الحسنه» و حساب «جاری» است. در این حسـاب‌هـا، رابطـهٔ حقـوقی بـین سپرده‌گذاران و بانک، عقد «قرض بدون بهره» است. با توجه به اینکه هیچ بهـره‌ای در قبـال سپرده‌های سپرده‌گذاران به آنها پرداخت نمی‌گردد، هیچ‌گونه ربا و شبههٔ ربا دربـارهٔ تجهیـز منابع این بانک‌ها وجود ندارد.

فعالیت تخصیص منابع بانک‌های قـرض‌الحسـنه نیـز از ایـن نظـر کـه هـیچ سـودی از مشتریان در قبال تسهیلات، دریافت نمـی‌گـردد، مشـکل ربـوی نـدارد. ولـی بـا توجـه بـه مشکلات فقهی کارمزد و جریمهٔ تأخیر در نظر تعدادی از مراجـع تقلیـد، نمـی‌تـوان ربـوی نبودن این فعالیت‌ها را با قاطعیت تمام بیان کرد.

دربارهٔ میزان سلامت فعالیت‌های بانک سرمایه‌گـذاری از ربـا، لازم بـه ذکـر اسـت کـه تجهیز منابع این بانک به چهار شکل صورت می‌گیرد که عبـارت اسـت از: پـذیره‌نویسـی، سپرده‌های خاص، فروش سهام و انتشار اوراق. بـرای بررسـی ربـوی نبـودن فعالیـت‌هـای مربوط به تجهیز منابع، لازم است یکایک شیوه‌های تجهیز مورد بحث قرار گیرد.

در فعالیت پذیره‌نویسـی، بانـک سـرمایه‌گـذار در قبـال فعالیـت واسـطه‌ای خـویش، از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاران، کارمزد دریافت می‌کند که چنین چیـزی اجـرت بانک محسوب می‌شود و هیچ ارتباطی با ربا ندارد. سودی هم که به سپرده‌گذاران پرداخـت می‌گردد بر مبنای مشارکت در سرمایه‌گذاری است که از طرف شرکت‌های سـرمایه‌گـذاری – نه بانک سرمایه‌گذاری– به مشارکت‌کنندگان پرداخت می‌شود. با توجه به اینکـه در ایـن فعالیت، از عقد «قرض» اسـتفاده نشـده و رابطـهٔ حقـوقی صـورت گرفتـه واسـطه‌گـری و مشارکت واقعی است، بنابراین شبهه‌ای برای ربوی بودن چنین معاملاتی وجود ندارد.

فعالیت دیگری که در بانک سرمایه‌گذاری به منظـور تجهیـز منـابع صـورت مـی‌گیـرد، «سپرده‌های خاص» اسـت. «سـپردهٔ خـاص» سـپرده‌ای اسـت کـه بنـا بـه تشـخیص بانـک

سرمایه‌گذاری به منظور جمع‌آوری منابع مالی و مشارکت صاحبان وجوه در طرح‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، که کاملاً مشخص و دارای توجیه اقتصادی است، افتتاح می‌شود. منافع این نوع سپرده‌ها برای صاحبان وجوه، برخورداری از نسبتی از سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌هاست.

با توجه به تعریف صورت گرفته دربارهٔ «سپرده‌های خاص»، معلوم می‌گردد که این سپرده‌ها فرقی با «پذیره‌نویسی» ندارند و ماهیت و شیوهٔ کار، در هر دو یکسان است. بنابراین، سپرده‌های خاص نیز مشکل ربوی ندارند.

فعالیت فروش سهام نیز ارتباطی با ربا ندارد. بر اساس این فعالیت، بانک سرمایه‌گذاری تمام یا بخشی از سهام شرکت‌ها و کارخانه‌های موجود را یا خریداری می‌کند و خود بانک، آن را به مشتریان سهام می‌فروشد و یا سهام مزبور را به نیابت و وکالت از طرف کارخانه‌داران و سهام‌داران به فروش می‌رساند. در حالت اول، سودی که از طریق خرید و فروش سهام عاید بانک سرمایه‌گذاری می‌گردد، مبتنی رابطهٔ حقوقی بیع است و هیچ ارتباطی با ربا ندارد؛ زیرا بانک زمانی که سهام را از سهام‌داران می‌خرد، مالک آن است و می‌تواند آن را به قیمتی منصفانه، که موجب اجحاف نباشد، به شکل نقد یا اقساط به مشتریان واگذار نماید. در حالت دوم هم، که بانک مالک سهام‌ها نیست و آن را به نیابت از طرف سهام‌داران می‌فروشد، نقش واسطه دارد و می‌تواند در قبال دلالی و کاری که انجام می‌دهد، کارمزد دریافت کند. همان‌گونه که در فعالیت پذیره‌نویسی نیز بیان گردید، شبهه‌ای برای ربوی بودن چنین کاری وجود ندارد.

یکی دیگر از منابع تأمین مالی در بانک سرمایه‌گذاری، فروش انواع اوراق و ابزارهای تأمین مالی اسلامی است. اوراق مالی زمانی ربوی است که عقد و رابطهٔ حقوقی مورد استفاده در آن قرض ربوی باشد. چنین اوراقی به «اوراق قرضه» موسوم است. ولی اگر عقد مورد استفاده در آن رابطهٔ حقوقی دیگری غیر از قرض ربوی باشد و احکام شرعی مخصوص هر عقدی در آن رعایت شود، دیگر مشکل ربوی و غیرشرعی بودن نخواهد داشت. بانک سرمایه‌گذاری می‌تواند انواع اوراق اجاره، استصناع، سلف، مضاربه، مشارکت، مزارعه، مساقات و مانند آن را طراحی کرده، با به فروش رساندن آن، سود کسب کند. با

توجه به اینکه بانک سرمایه‌گذاری اوراق مالی را خرید و فروش می‌کند و ماهیت این اوراق غیر از اوراق قرضهٔ ربوی است، بنابراین چنین فعالیتی خالی از رباست.

فعالیت تخصیص منابع نیز در بانک سرمایه‌گذاری بدین صورت است که این بانک وجوه سپرده‌گذاران شرکت‌کننده در سرمایه‌گذاری‌ها را در اختیار شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری متوسط و بزرگ[۱۵] قرار می‌دهد. رابطهٔ بین سپرده‌گذاران و شرکت‌های تولیدی رابطهٔ شرکت است و صاحبان وجوه در سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته شریک شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری هستند. سود پرداخت‌شده به صاحبان وجوه درصدی از کل سود طرح‌های سرمایه‌گذاری شده است. روشن است کسانی که وجوه بیشتری را برای مدت زمان طولانی به مشارکت در سرمایه‌گذاری‌ها اختصاص دهند، از سود بیشتری برخوردار خواهند شد. سود پرداخت‌شده می‌تواند پیش از قطعی شدن آن، در مقاطع ماهانه یا فصلانه به صورت قرض علی‌الحساب در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گیرد و پس از معلوم شدن سود قطعی و نهایی، کاهش و افزایش لازم انجام شود.

با توجه به اینکه در این نوع فعالیت‌ها از عقد «قرض» استفاده نمی‌شود، بنابراین دلیلی برای ربوی بودن آن وجود ندارد. همچنین مشارکتی که بین صاحبان وجوه و شرکت‌های سرمایه‌گذار وجود دارد از نوع مشارکت واقعی است، و چنین نیست که فقط از نام «مشارکت» استفاده شود و حقیقت آن قرض ربوی باشد که لباس مشارکت پوشیده است؛ زیرا نحوهٔ محاسبهٔ سود پرداخت‌شده به سپرده‌گذاران کاملاً بر اساس رابطهٔ شرکت است.

شرکت‌های لیزینگ منابع خود را عمدتاً از طریق قرض‌الحسنه و دریافت تسهیلات از بانک سرمایه‌گذاری تأمین می‌کنند. با توجه به اینکه در تسهیلات دریافتی از بانک سرمایه‌گذاری از عقد «قرض» استفاده نشده و تسهیلات بانک قرض‌الحسنه به شکل غیرربوی است، دلیلی بر ربوی بودن فعالیت‌های این شرکت‌ها و تجهیز منابع آنها وجود ندارد. این شرکت‌ها از سوی دیگر، کالاهای خودشان را از طریق دو عقد مبادله‌ای «اجاره به شرط تملیک» و «فروش اقساطی» در اختیار متقاضیان کالاها قرار می‌دهند. با توجه به اینکه این دو عقد غیر از عقد «قرض» هستند و نیز به دلیل این که واقعاً کالا مبادله می‌شود و عملیات صوری منتفی است، این دو عقد در ماهیت اصلی خود باقی مانده و به قرض

ربوی تبدیل نمی‌شوند. بر همین اساس، فعالیت‌های مربوط به تخصیص منابع نیز در این شرکت‌ها خالی از رباست.

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بجز فعالیت تخصیص منابع در بانک قرض‌الحسنه، که با مشکل کارمزد و جریمهٔ تأخیر همراه است، سایر فعالیت‌های بانکی این الگو کاملا غیرربوی است.

۲. بررسی میزان انطباق الگو با صوری نبودن عقود

فعالیت‌هایی که به منظور جذب سپرده‌ها در بانک‌های قرض‌الحسنه صورت می‌گیرد، واقعی است و حالت صوری ندارد؛ زیرا هیچ انگیزه‌ای برای صوری بودن چنین فعالیت‌هایی احساس نمی‌شود.

فعالیت‌های مربوط به تخصیص منابع و اعطای تسهیلات توسط بانک‌های قرض‌الحسنه نیز از واقعی و غیرصوری بودن این فعالیت‌ها حکایت می‌کند؛ زیرا در این فعالیت‌های بانکی نیز انگیزه‌ای برای صوری بودن معاملات بانکی وجود ندارد. یک معاملهٔ بانکی زمانی صوری است که رابطهٔ حقوقی عقد و معامله‌ای که بانک با استفاده از آن عقد وارد معامله می‌گردد، با نیاز و سلیقهٔ متقاضی تسهیلات مطابقت نداشته باشد؛ مثلاً، متقاضی تسهیلات به وجهی نیاز دارد که آن را برای پرداخت بدهی‌هایش مصرف کند، ولی در بانک معامله‌ای وجود ندارد که نیاز این متقاضی را مستقیماً تأمین نماید. در چنین صورتی، متقاضی تسهیلات، به شکل صوری یکی از قراردادهای بانکی ـ مثلاً، فروش اقساطی ـ را امضا می‌کند و مبلغ دریافتی را به پرداخت بدهی‌های خویش ـ و نه خرید کالاهای مرقوم شده در قرارداد بانک – اختصاص می‌دهد. ولی در بانک قرض‌الحسنه با توجه به اینکه تمامی تسهیلات اعطایی صرفاً از طریق عقد قرض بدون بهره در اختیار متقاضیان قرار داده می‌شود و چون در محل مصرف وجوه قرض داده شده هیچ محدودیت شرعی وجود ندارد، بنابراین هیچ انگیزه‌ای ـ نه از طرف بانک و نه از طرف متقاضیان تسهیلات ـ برای صوری کردن قراردادها و معاملات بانکی وجود نخواهد داشت.

در فعالیت‌هایی که به منظور تجهیز منابع در بانک سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد، نیز انگیزه‌ای برای صوری بودن وجود ندارد. تمام کسانی که با شرکت در پذیره‌نویسی،

سپرده‌گذاری خاص، خرید سهام و خرید اوراق مالی، وجوه خود را بـا راهنمـایی و دلالـی بانک سرمایه‌گذار در اختیار شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری قرار مـی‌دهنـد، بـه دنبـال کسب سود از طریق مشارکت در سرمایه‌گـذاری‌هـای شـرکت‌هـا هسـتند. بنـابراین، چـون اهداف واقعی سپرده‌گذاران توسط فعالیت‌های بانک و شـرکت‌هـای سـرمایه‌گـذاری کـاملاً تأمین شده است و نقصانی در این زمینـه وجـود نـدارد، زمینـه‌هـای صـوری بـودن چنـین فعالیت‌هایی منتفی است.

اما در فعالیت‌های مربوط به تخصیص وجوه در بانک سرمایه‌گـذاری، احتمـال صـوری بودن معاملات کاملاً منتفی نیست؛ زیرا احتمال دارد که برخی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری وجوه دریافتی از بانک سرمایه‌گذاری را در غیـر محـلّ آن مصـرف کننـد. مصـرف وجـوه سرمایه‌گذاری در غیر محلّ خود، به دو گونه متصور است: یکی ایـن کـه وجـوه مزبـور در جایی صرف شود که ارتباطی با سرمایه‌گذاری ندارد؛ مثل این که دریافت‌کنندهٔ وجـوه آن را در پرداخت بدهی‌های متفرقه، خریـد لـوازم مصـرفی بـرای منـزل خـود و مسـافرت‌هـای تفریحی مصرف نموده، بکلی وجوه دریافتی را از دایرهٔ سرمایه‌گذاری خـارج سـازد. دیگـر اینکـه ممکـن اسـت شـرکت سـرمایه‌گـذاری وجـوه دریـافتی را از دایـرهٔ فعالیـت‌هـای سرمایه‌گذاری خارج نکند، ولی آن را در غیر محلّ خاص سرمایه‌گـذاری منعقـده شـده در قـرارداد مصـرف نمایـد؛ مـثلاً، شـرکتی کـه فعالیـت تولیـدی دارد و وجـوهی را از بانـک سرمایه‌گذاری بر اساس عقد مشارکت و برای احداث کارخانه دریافـت کـرده اسـت، آن را صرف فعالیت تجاری نماید.

موارد مزبور نشان می‌دهد که احتمال وجود انگیزه‌ها و زمینه‌هایی بـرای صـوری بـودن تخصیص منابع در بانک سرمایه‌گـذاری وجـود دارد. بـا وجـود چنـین احتمـالی ـ هرچنـد ضعیف ـ نمی‌توان بر صوری نبودن تخصیص منابع بانـک سـرمایه‌گـذاری حکـم قطعـی و صددرصد صادر کرد، مگر اینکه بانک سرمایه‌گذاری نظارتی دقیق و جدّی بر نحوهٔ مصرف وجوه تخصیص داده شده به شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری داشته باشد.

در خصوص فعالیت‌های تجهیز منابع در شرکت‌های لیزینگ، احتمال قابل قبـولی بـرای صوری شدن فعالیت‌های داده نمـی‌شـود؛ زیـرا ایـن شـرکت‌هـا در صـورتی کـه از بانـک

سرمایه‌گذاری یا هر جای دیگری تسهیلات دریافت کنند، به سبب برخورداری از یک فرصت اقتصادی (شرکت‌داری) و سودآوری فعالیت‌های شرکت خودشان، علاقه‌ای به صرف آن مبالغ در جای دیگر ندارند. این شرکت‌ها برای این که بتوانند کالاهای بیشتری خریداری کنند و آن را در اختیار متقاضیان قرار دهند و از این طریق سود بیشتری کسب نمایند، عملاً حاضر نیستند شرکت خود را از این فرصت مهم در شرایط رقابتی محروم سازنند. به‌ویژه افرادی که در این شرکت‌ها به فعالیت اقتصادی مشغولند آن را حرفهٔ تخصصی خود قلمداد نموده، احتمال سودآوری بیشتر همراه با ریسک پایین‌تر را در فعالیت‌های شرکت زیاد می‌دانند. بنابراین، از انگیزهٔ بالاتری برای سرمایه‌گذاری در شرکت خود برخوردارند.

در فعالیت‌های تخصیص منابع شرکت‌های لیزینگ هم، امکان و انگیزهٔ صوری بودن بکلی منتفی است؛ زیرا در این عملیات، عیناً خود کالا ـ نه مبلغ آن ـ در اختیار متقاضیان کالا قرار می‌گیرد و این شرکت‌ها دقیقاً مثل تجّار و مغازه‌داران نسیه‌فروش عمل می‌کنند. متقاضی کالا در قالب «اجاره به شرط تملیک» یا «فروش اقساطی» عین کالا را انتخاب و دریافت کرده، مشغول بهره‌برداری از آن می‌شود. بنابراین، هیچ زمینه‌ای برای صوری واقع شدن چنین فعالیت‌هایی وجود ندارد.

پس بجز فعالیت تخصیص منابع در بانک سرمایه‌گذاری، که از قابلیت صوری شدن برخوردار است، در سایر فعالیت‌های بانکی الگوی تفکیک، زمینه‌ای برای صوری بودن وجود ندارد.

۳. بررسی میزان انطباق الگو با ضرری نبودن عقود

در سپرده‌گذاری در بانک قرض‌الحسنه، که به صورت سپرده «جاری» و «پس انداز» انجام می‌شود، هیچ اثری از ضرری بودن مشاهده نمی‌گردد؛ نه بانک از این سپرده‌پذیری متضرّر می‌گردد و نه سپرده‌گذاران ضرری متحمل می‌گردند که موجب بطلان معامله گردد. تنها چیزی که در این خصوص ممکن است به عنوان ضرر مطرح گردد، این است که سپرده‌گذاران، وجوه خود را برای مدتی زمانی بدون دریافت سود در اختیار بانک قرار می‌دهند. در شرایط تورّمی اقتصاد، که سپرده‌گذار هنگام مطالبهٔ موجودی خود از بانک،

همان مبلغ اولیه را بدون هیچ سودی دریافت می‌کند، در واقع با پایین آمدن قدرت خرید، متضرّر می‌گردد؛ زیرا در شرایط تورّمی، قدرت خرید ـ مثلاً ـ یک میلیون تومان امسال کمتر از قدرت خرید یک میلیون تومان سال قبل است.

باید توجه داشت که چنین چیزی موجب ضرری بودن عملیات قرض‌دهی نمی‌گردد؛ زیرا اولاً، هر کاری به عنوان جبران‌کنندهٔ ضرر صورت گرفته در چنین حالتی شرط شده باشد، ربا محسوب می‌گردد. ثانیاً، ضرری موجب بطلان معامله می‌گردد که توسط طرف مقابل معامله و با سوء استفاده از جهل طرف دیگر ایجاد شده باشد. ولی زمانی که متضرر با آگاهی کامل از وضعیت مبادله و با شناخت لازم از اوضاع اقتصادی، به انجام معامله‌ای اقدام نماید، متضرّر فقهی محسوب نمی‌گردد.

در فعالیت‌هایی که به تخصیص منابع در بانک‌های قرض‌الحسنه مربوط می‌گردد نیز معاملات ضرری اتفاق نمی‌افتد. بانک قرض‌الحسنه منابع خود را به صورت قرض بدون بهره و با دریافت کارمزد، در اختیار متقاضیان تسهیلات قرار می‌دهد. وام‌گیرندگان نیز مبلغ دریافتی را به صورت اقساط ماهیانه به بانک می‌پردازند. ممکن است همان ضرری که دربارهٔ سپرده‌گذاران تصور می‌شد، دربارهٔ بانک قرض‌الحسنه نیز قابل طرح باشد؛ یعنی در شرایط تورّمی اقتصاد کشور و با گذشت زمان، اعتبار واقعی وجوه موجود در بانک کاهش یابد و بانک هیچ مبلغی را به عنوان زیاده بر اصل وام، از وام‌گیرندگان دریافت نکند. لازم به ذکر است که به چنین حالتی «معاملهٔ ضرری» اطلاق نمی‌گردد؛ زیرا اولاً، مسئولان بانک با اطلاع کافی از وضعیت تورّمی موجود در اقتصاد کشور، به عملیات قرض‌دهی می‌پردازند. ثانیاً، متقاضیان قرض‌الحسنه هیچ نقشی در این خصوص ندارند. ثالثاً، آنچه ضرر بر آن تعلّق می‌گیرد سپرده‌های سپرده‌گذاران و مشتریان بانک است؛ زیرا بانک منابع رایگان را از مردم جمع‌آوری کرده است و آن را به صورت رایگان در اختیار وام‌گیرندگان قرار می‌دهد.

معاملاتی که به منظور تجهیز منابع در بانک سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد نیز جزو معاملات ضرری نیست؛ زیرا در این معاملات هیچ جایی برای وارد کردن ضرر به دیگران وجود ندارد. افرادی که با نیت کسب سود با شیوه‌های گوناگون، مانند شرکت در پذیره‌نویسی، افتتاح سپردهٔ خاص، خرید سهام و خرید اوراق مالی منتشرشده، اقدام به

سپرده‌گذاری در بانک سرمایه‌گذاری می‌کنند، با این عمل، ضرری به بانک یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری وارد نمی‌کنند. همچنین به سبب مشارکت در سرمایه‌گذاری، از طریق تأمین نیازهای مالی و نقدینگی شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری، این تأمین مالی به رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور کمک می‌کند. بانک سرمایه‌گذاری هم، که اقدام به جمع‌آوری وجوه سرمایه‌گذاری می‌کند، درصدد ضرر رساندن به کسی نیست و با قرار دادن وجوه سپرده‌گذاران در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری، نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی صاحبان وجوه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند.

همچنین معاملاتی که بر اساس آن‌ها، بانک سرمایه‌گذاری منابع خود را در اختیار کارآفرینان و شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد، معاملات ضرری محسوب نمی‌گردد؛ زیرا شرکت‌های سرمایه‌گذاری با استفاده از وجوه سپرده‌گذاران اقدام به سرمایه‌گذاری کرده، صاحبان وجوه را در سود به دست آمده از طرح‌های خود، شریک می‌کنند. تنها چیزی که ممکن است به عنوان ضرر در چنین فعالیت‌هایی مطرح شود این است که شرکت‌های سرمایه‌گذاری تمام یا بخشی از وجوه دریافتی را به غیر فعالیت سرمایه‌گذاری اختصاص دهند و یا به فنون و نکات اقتصادی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری کم‌توجهی کنند. در چنین مواقعی، به دلیل خطای عمدی و سهل‌انگاری شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سود کمتری به صاحبان وجوه تعلّق می‌گیرد و حتی ممکن است در اثر بی‌توجهی‌های صورت‌گرفته، طرح‌های سرمایه‌گذاری با ورشکستگی مواجه شده، علاوه بر سود، اصل سرمایهٔ سپرده‌گذاران نیز با خطراتی مواجه گردد. ولی چنین چیزی خارج از ذات معامله است و با نظارت بانک سرمایه‌گذاری و اعتبارسنجی شرکت‌های سرمایه‌گذاری پیش از اعطای تسهیلات به آن‌ها، می‌توان از وقوع چنین حادثه‌ای پیش‌گیری نمود.

در فعالیت‌های مربوط به تجهیز منابع در شرکت لیزینگ هم وارد شدن ضرری بر کسی مشاهده نمی‌گردد. این شرکت‌ها با استفاده از انواع تسهیلات و درآمدهای خود، اقدام به خرید کالاهای مورد نیاز و عمدتاً گران‌قیمت می‌کنند و آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. هیچ فعالیتی که موجب متضرّر شدن فردی یا عده‌ای از افراد جامعه گردد، در این عملیات مشاهده نمی‌شود.

فعالیت‌های تخصیص منابع در شرکت‌های لیزینگ نیز خالی از ضرر است؛ زیرا این شرکت‌ها اموال خود را به شکل نسیه به مشتریان می‌فروشند و یا به صورت «اجاره به شرط تملیک» در اختیار آنان قرار می‌دهند. در ذات این عقود مبادله‌ای هیچ اثری از متضرّر شدن کسی احساس نمی‌گردد. ممکن است گفته شود: شرکت‌های لیزینگ اگر بتوانند حالت نیمه انحصاری به خود بگیرند و کالاهای خود را با قیمت‌های اجحاف‌آمیز به مشتریان بفروشند در چنین صورتی مشتریان متضرّر خواهند شد. در جواب این سخن، باید گفت: بر اساس این الگو، شرکت‌های لیزینگ در انتخاب نرخ نسیه‌فروشی یا دریافت حق‌الاجاره از آزادی کامل برخوردار نیستند و مقام‌های پولی کشور با در نظر گرفتن موارد متعدد، از جمله قدرت خرید مصرف‌کنندگان، نرخ نسیه‌فروشی و حق‌الاجاره‌ای را مشخص می‌کنند. با این اقدامات، از تحمیل قیمت‌های اجحافی جلوگیری می‌گردد.

در مجموع، می‌توان گفت: در هیچ یک از فعالیت‌های بانکی الگوی تفکیک، مشکل فقهی ضرری بودن معاملات یافت نمی‌شود.

۴. بررسی میزان انطباق الگو با غرری نبودن عقود

تجهیز و تخصیص منابع در بانک قرض‌الحسنه بر اساس قرض بدون بهره شکل می‌گیرد و مشکل غرری ندارد؛ زیرا در اصطلاح فقهی، «معاملهٔ غرری» به معامله‌ای اطلاق می‌گردد که در آن ـ دست‌کم ـ یکی از جهات وجود عوضین، قدرت بر تحویل عوضین، مقدار و کیفیت عوضین و موقعیت و شرایط معامله، مبهم و مجهول باشد، به‌گونه‌ای که با وجود یکی از این جهالت‌ها، اقدام به معامله با نوعی خدعه و خطر همراه باشد.[۱۶] در عملیات سپرده‌گذاری و اعطای وام در بانک قرض‌الحسنه، که بر اساس عقد قرض بدون بهره است، هیچ ابهامی در جهات مزبور وجود ندارد، این معامله ساده‌ترین و روشن‌ترین معامله‌ای است که در بین مردم و در نظام بانک‌داری اتفاق می‌افتد. وجوه سپرده‌گذاری شده در حساب صاحب وجه ثبت می‌گردد و رسید آن در قالب دفترچهٔ پس‌انداز یا شکل‌های دیگر در اختیار وی قرار می‌گیرد. در زمینهٔ اعطای وام نیز مبلغی که بانک به متقاضیان می‌پردازد کاملاً روشن و معلوم بوده و نحوهٔ بازپرداخت آن نیز کاملاً شفّاف است. تمامی دریافت‌ها و پرداخت‌ها به صورت دقیق و منظّم، حتی با ذکر ساعت و دقیقهٔ آن، ثبت می‌گردد و هیچ ابهامی در این زمینه وجود ندارد.

فعالیت‌های مربوط به تجهیز و تخصیص منابع در بانک سرمایه‌گذاری نیز خالی از غرر است؛ زیرا هیچ ابهامی در آن مشاهده نمی‌گردد. مبلغ سپرده‌ها در پذیره‌نویسی، سپرده‌گذاری خاص، فروش سهام و اوراق مالی کاملاً روشن و مشخص بوده و خالی از ابهام غرری است.

در خصوص تخصیص منابع، بانک سرمایه‌گذاری با دریافت کارمزدی مشخص، مبالغ معیّنی از سپرده‌ها را در اختیار کارآفرینان و شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد. شرکت‌ها نیز بر اساس عقد مشارکت، صاحبان وجوه را در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود شرکت می‌دهند. نحوه و میزان پرداخت سود به صاحبان وجوه از شفّافیت لازم برخوردار است و در قراردادها ثبت می‌گردد. همچنین سپرده‌گذار می‌داند که وجوه وی در چه شرکتی و در کدام طرح اقتصادی سرمایه‌گذاری شده است. با این وصف، جایی برای غرری بودن چنین معاملاتی وجود ندارد؛ زیرا همه چیز کاملاً روشن و شفّاف است.

فعالیت‌های مربوط به تجهیز منابع در شرکت‌های لیزینگ نیز از هیچ ابهام و غرری برخوردار نیست. نحوهٔ تأمین مالی این شرکت‌ها و خرید کالا توسط آنان و شرایط خرید و فروش و اوصاف کالاهای قابل مبادله دقیق و از شفّافیت لازم برخوردار است.

عملیات تخصیص منابع در شرکت‌های لیزینگ نیز خالی از غرر است؛ زیرا، هم در عقد «اجاره به شرط تملیک» و هم در عقد «فروش نسیه‌ای»، کالای مورد نظر به رؤیت مشتری می‌رسد و مشتری با برخورداری از اطلاعات لازم دربارهٔ کالا، آن را انتخاب می‌نماید. همچنین قیمت کالا، تعداد اقساط و شرایط مندرج در قراردادها به اطلاع طرفین و به امضای آنان می‌رسد. از این‌رو، قرارداد از شفّافیت لازم برخوردار است و غرری محسوب نمی‌گردد.

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که فعالیت‌های بانکی الگوی تفکیک هیچ مشکل غرری بودن ندارد.

۵. بررسی میزان انطباق الگو با حرام نبودن موضوع معاملات بانکی

فعالیت‌های بانک قرض‌الحسنه در بخش تجهیز منابع، در موضوعات حرام واقع نمی‌شود. زمانی که سپرده‌گذاران وجوه خود را به صورت حساب «جاری» یا «پس‌انداز» در اختیار بانک قرض‌الحسنه قرار می‌دهند، هیچ نیت و هدف حرامی از این کار ندارند؛ یعنی

منظورشان این نیست که بانک وجوه آنان را در راه‌های حرام مصرف کند، بلکه این سپرده‌گذاری‌ها غالباً به نیت خیر و به منظور تأمین نیازمندی‌های اقشار جامعهٔ اسلامی از طریق قرض‌الحسنه صورت می‌گیرد که خود، یکی از مستحبّات مؤکّد شرع مقدّس اسلام است.

در تخصیص منابع بانک قرض‌الحسنه نیز، که صرفاً از طریق قرض‌الحسنه صورت می‌گیرد، حرام بودن موضوع معامله منتفی است. اگر بانک با این هدف به قرض‌گیرندگان وام بدهد که آن وجوه را در راه حرام مصرف کنند، چنین معامله‌ای حرام است، و حال آن که چنین نیتی در بانک قرض‌الحسنه وجود ندارد. بانک بدون در نظر گرفتن این که وام‌گیرنده وجوه دریافتی را در چه محلی مصرف خواهد کرد، مبلغ وام را در اختیار وی قرار می‌دهد.

معاملات صورت گرفته در بخش تجهیز و تخصیص منابع بانک سرمایه‌گذاری نیز در موضوعات حرام واقع نمی‌شود؛ زیرا سپرده‌گذاران وجوه خود را به منظور کسب سود حلال، که از طرق عقود شرعی انجام می‌گیرد، در اختیار بانک سرمایه‌گذاری قرار می‌دهند و چنین چیزی موضوع حرام نیست.

فعالیت‌های تخصیص منابع این بانک‌ها نیز در موضوعات حرام واقع نمی‌شود؛ زیرا شرکت‌های سرمایه‌گذاری، که از منابع این بانک‌ها استفاده می‌کنند، باید بر اساس قوانین و مقرّرات جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده باشند و قانون به شرکتی که در موضوعات حرام سرمایه‌گذاری کند، اجازهٔ فعالیت نمی‌دهد. البته لازم است بانک سرمایه‌گذاری بر فعالیت چنین شرکت‌هایی نظارت جدّی داشته باشد تا از تولید کالاهایی که شرع مقدّس اسلام مصرف آن را تحریم کرده است، جلوگیری شود و شرکت‌هایی که فعالیتشان موجب ترویج فساد و تضعیف نظام اسلامی است، نتوانند از وجوه مردم مسلمان برای اغراض شیطانی خود بهره‌برداری نمایند.

عملیات مربوط به تجهیز منابع در لیزینگ‌ها نیز در موضوعات حرام واقع نمی‌شود؛ زیرا بانک‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری به این قصد که شرکت لیزینگ با استفاده از تسهیلات کالاهای حرام خریداری کنند، تسهیلاتی پرداخت نمی‌کنند. شرکت لیزینگ هم اگر بخواهد کالاهای غیرمشروع خریداری کند، بنا به قانون موجود در کشور، حق اجاره

دادن یا فروش آن را ندارد. علاوه بر این، انگیزه‌ای از طرف شرکت لیزینگ برای خریداری چنین کالاهایی وجود ندارد؛ زیرا نمی‌تواند؛ آن را به راحتی به متقاضیان تحویل دهد.

تخصیص منابع در شرکت‌های لیزینگ نیز در موضوعات حرام واقع نمی‌شود؛ زیرا این شرکت‌ها نیز برای دارا بودن از مجوّز فعالیت، باید از قوانین جمهوری اسلامی تبعیت نمایند و در قانون کشور اسلامی، مجوّزی برای شرکت‌هایی که انواع کالاهای غیرمشروع و حرام را تهیه و پخش می‌کنند، وجود ندارد.

۶. بررسی میزان انطباق الگو با ترویج قرض‌الحسنه

به جرئت می‌توان گفت: یکی از اساسی‌ترین اهداف الگوی «تفکیک»، بها دادن به کار قرض‌الحسنه در نظام بانکی است. همین که فعالیت‌های بانکی کشور به سه بخش عمده تقسیم می‌شود و یکی از آنها به فعالیت‌های قرض‌الحسنه اختصاص می‌یابد، دلیل بر اهمیت دادن به جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور است. بر اساس الگوی تفکیک، قرض‌الحسنه از وضعیت نامطلوب خود فاصله می‌گیرد و به جایگاه واقعی خود در بانک‌داری اسلامی نزدیک‌تر می‌شود. در این الگو، تمام ماندهٔ حساب‌های «پس‌انداز قرض‌الحسنه» و «جاری»، به صورت قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان و نیازمندان قرار می‌گیرد. این در حالی است که در حال حاضر و بر اساس الگوی کنونی، تنها قریب ۵ درصد از کلّ منابع بانکی به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص می‌یابد و حتی تمام سپرده‌های قرض‌الحسنه‌ای به این امر تخصیص داده نمی‌شود.

با اجرای الگوی «تفکیک» و توسعهٔ کیفی و کمّی تسهیلات قرض‌الحسنه، فرهنگ نوع‌دوستی، ایثار، انفاق، معاونت بر نیکی‌ها و رفع حوایج نیازمندان در جامعهٔ اسلامی افزایش می‌یابد و موجب نزول رحمت و برکات الهی می‌گردد. همچنین الگوی «تفکیک» از یک ثمرهٔ غیرمستقیم نیز برخوردار است که به نوبهٔ خود اهمیت فراوانی دارد. با اجرای این الگو و گسترش تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای، بازار غیر رسمی رباخواری در جامعه با کسادی مواجه می‌گردد؛ زیرا زمانی که نظام بانکی وجوه مورد نیاز مردم را با استفاده از یک عقد شرعی و به صورت رایگان در اختیار آنها قرار دهد، دیگر لزومی برای مراجعهٔ نیازمندان به رباخواران وجود ندارد. با این کار، بساط یک گناه کبیره، که مرتکبان آن به

جنگ خداوند و پیامبرﷺ رفته‌اند، برچیده می‌شود. همچنین روحیهٔ تعاون، اخوّت، همدلی و صفات اخلاقی دیگری، که زیبندهٔ جامعهٔ اسلامی است، جایگزین آن می‌گردد. اگر الگوی «تفکیک» ثمرهٔ دیگری غیر از مبارزه عملی با رباخواران و کساد کردن بازار آنان نداشته باشد، از ارزش کافی برای اجرایی شدن برخوردار است ـ ولی همان‌گونه‌که بیان خواهد شد ـ الگوی مزبور از ثمرات دیگری نیز برخوردار است که در بررسی میزان انطباق آن با شاخص‌های کارآمدی، بیان خواهد شد.

۷. بررسی میزان انطباق الگو با میزان استفاده از نیروهای متعهد و متخصص

یکی از شاخص‌های کارآمدی یک بانک، بالا بودن تعداد نیروهای متعهد و متخصص در آن بانک است. نیروهای انسانی متعهد و متخصص در یک بانک کارآمد، در سه ردهٔ مدیران، کارشناسان و کارکنان ایفای مسئولیت می‌کنند.

در الگوی «تفکیک»، نه تنها مانعی برای به‌کارگیری افراد متعهد و متخصص در هر سه ردهٔ نیروی انسانی وجود ندارد، بلکه موفقیت اجرایی الگو در گرو استفاده از افراد متعهد و متخصص است. ضرورت دارد که هم بانک قرض‌الحسنه، هم بانک سرمایه‌گذاری و هم شرکت‌های لیزینگ از نیروهای مؤمن و خبره استفاده کنند.

بانک قرض‌الحسنه از آن نظر که تسهیلات رایگان و با سقف بالاتری نسبت به الگوی کنونی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد، به افراد متعهدی نیازمند است که در تخصیص منابع و پرداخت قرض‌الحسنه، جانب عدالت و انصاف را رعایت کنند و موجبات استفادهٔ همگانی از تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای را فراهم آورند. این بانک به افراد متخصص هم در بخش‌های تصمیم‌گیری و اجرایی نیاز دارد؛ افرادی که تصمیم‌های کارشناسانه بگیرند و در کارهای اجرایی دچار اشتباه نشوند.

بانک سرمایه‌گذاری نیز به وجود افراد متعهد و متخصص احتیاج مبرم دارد؛ افرادی که منابع این بانک را به طور عادلانه در اختیار کارآفرینان و شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری قرار دهند و خود را از ابتلا به مفاسد مالی ـ مانند رشوه‌گیری ــ که در این بانک از زمینهٔ مناسبی برخوردار است، دور نگه دارند. همچنین بانک سرمایه‌گذاری نیازمند حضور نیروی انسانی تخصصی است تا بتوانند امور گوناگونی، مانند اعتبارسنجی

شرکت‌های تولیدی، برآورد احتمالی هزینه‌های طرح‌های اقتصادی، نظارت بر طرح‌ها و حساب‌داری را به درستی انجام دهند و موجب پیشرفت بانک سرمایه‌گذاری گردند.

شرکت‌های لیزینگ نیز به منظور پیشرفت خودشان، به کارمندان و کارگران متعهد و متخصص در کار تجارت نیازمندند. اگر این شرکت‌ها از افراد متعهد و متخصص کمتری برخوردار باشد، احتمال ورشکستگی‌شان افزایش می‌یابد؛ زیرا اگر دل‌سوزی لازم نسبت به فعالیت‌های این شرکت‌ها در بین کارکنانشان وجود نداشته باشد، امکان حیف و میل اموال شرکت بیشتر است.

۸. بررسی میزان انطباق الگو با میزان استفاده از فناوری‌ها

یکی دیگر از شاخص‌های کارآمدی نظام بانک‌داری، استفادهٔ از فناوری‌های گوناگون در زمینهٔ تجهیز و تخصیص منابع بانک است. هر بانکی که بتواند فعالیت‌های خود را بیشتر با ابزار الکترونیکی انجام دهد، از کارایی بیشتری برخوردار است.

در الگوی «تفکیک» زمینه مساعدی برای استفادهٔ از فناوری‌ها وجود دارد. بانک‌های موجود در الگوی «تفکیک» نیز ناگزیر از به‌کارگیری ابزار و وسایل الکترونیکی و استفاده از فناوری‌ها هستند و مانعی برای استفاده از فناوری‌های پیشرفتهٔ بانک‌داری در این بانک‌ها وجود ندارد. بنابراین، بانک‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ می‌توانند برای ارتقای کیفیت فعالیت‌های بانکی و به منظور کاهش هزینه‌ها و نیل به سایر فواید فناوری‌ها، مجهّز به سیستم‌های الکترونیکی بانکی شوند.

۹. بررسی میزان انطباق الگو با میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پربازده

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های کارآمدی یک الگوی بانکی این است که منابع خود را به سمت سرمایه‌گذاری‌های سالم و مفید اقتصادی سوق دهد. برای نیل به این منظور، لازم است بانک‌ها از سرمایه‌گذاری‌های سفته‌بازانه دست برداشته، در فضای اقتصاد واقعی، مشغول سرمایه‌گذاری شوند.

بر اساس الگوی «تفکیک»، میزان سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های مفید و سالم افزایش می‌یابد و از اتلاف منابع بانکی جلوگیری می‌گردد. بانک‌های قرض‌الحسنه نیازهای مالی سرمایه‌گذاری‌های کوچک را تأمین می‌کنند. سرمایه‌گذاران متوسط و بزرگ از بانک‌های

سرمایه‌گذاری تسهیلات دریافت می‌نمایند. با توجه به اینکه شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری پیش از دریافت تسهیلات، اعتبارسنجی می‌شوند و تخصصی بودن فعالیت‌ها احراز می‌گردد و فعالیت شرکت‌های دریافت‌کنندهٔ تسهیلات در طول سرمایه‌گذاری تحت نظارت بانک واقع می‌شود، بنابراین احتمال تلف شدن منابع و مصرف وجوه سرمایه‌ای در غیر محلّ خویش به حداقل ممکن می‌رسد.

در الگوی «تفکیک»، احتمال اختصاص تسهیلات به فعالیت‌های سوداگرایانه و سفته‌بازانه در بانک‌های سرمایه‌گذاری به حداقل می‌رسد و عمده وجوه سرمایه‌ای صرفاً در اقتصاد واقعی و در بازار کالاها و خدمات جریان می‌یابد و در طرح‌های مولّد اقتصادی مصرف می‌گردد. این امر به سبب تولیدآوری بیشتر، موجب کاهش نرخ بیکاری و تورّم می‌شود و سود به دست‌آمده از این سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود وضعیت اقتصادی جامعه را در پی دارد. این ویژگی را می‌توان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین امتیازات الگوی «تفکیک» بیان نمود.

بانک‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند آن دسته از کارآفرینان و شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری را، که در فعالیت‌هایشان سودآوری بیشتری داشته‌اند، تشویق کنند و وجوه بیشتری را برای سرمایه‌گذاری‌های آنان تخصیص دهند. این کار می‌تواند یک فضای رقابتی برای سرمایه‌گذاری در موارد مفید اقتصادی در بین سرمایه‌گذاران فراهم آورد و موجب بالا رفتن میزان سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های سودآور گردد.

در شرکت‌های لیزینگ، از آن نظر که فعالیت‌های بورس‌بازی به صفر می‌رسد و تمام معاملات به شکل واقعی انجام می‌گیرد، مواردی که در آن کالاهای سرمایه‌ای در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد، کاملاً در امر تولید به کار گرفته می‌شود و از اتلاف آنها جلوگیری می‌گردد.

۱۰. بررسی میزان انطباق الگو با میزان جذب منابع بانکی

یکی از شاخص‌های کارآمدی در یک الگوی بانکی، بالا بودن میزان جذب منابع است. اگر الگوی بانکی بتواند اهداف و سلایق سپرده‌گذاران بیشتری را پوشش دهد، به همان میزان، کارآتر است. اهداف و انگیزه‌های متعددی برای سپرده‌گذاری وجوه در بانک توسط سپرده‌گذاران وجود دارد که عبارت است از: حفظ و نگه‌داری وجوه در محلی امن و مطمئن برای مصارف آتی، تسهیل در مبادله‌های پولی، کسب درآمد و امتیاز از محل

سپرده‌ها، مشارکت در ثواب اعطای قرض‌الحسنه، و کمک به توسعه و آبادانی کشور. همچنین سپرده‌گذاران از سلایق و روحیات گوناگونی برخوردارند که بر اساس آن، به سه گروه ریسک‌گریز، ریسک‌پذیر و ریسک خنثا تقسیم می‌شوند.

الگوی «تفکیک» به دلیل آنکه از قابلیت پوشش دادن تمامی اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران گوناگون برخوردار است، می‌تواند منابع بیشتری را جذب کند و یک الگوی کارآمد محسوب گردد. افرادی که به منظور نگه‌داری وجوه خود در محلی امن و مطمئن، کسب امتیاز از محلّ سپرده‌ها، مشارکت در ثواب اعطای قرض‌الحسنه، و کمک به توسعهٔ اقتصادی کشور به بانک مراجعه کرده، قصد سپرده‌گذاری دارند، می‌توانند به بانک قرض‌الحسنه مراجعه کنند و در حساب‌های پس‌انداز آن بانک سپرده‌گذاری کنند.

حساب‌های جاری بانک قرض‌الحسنه برای کسانی که علاوه بر اهداف مزبور، به انگیزهٔ تسهیل در مبادله‌های پولی سپرده‌گذاری می‌کنند، شیوهٔ دیگری برای جذب سپرده‌هاست. افرادی هم که به دنبال کسب درآمد از محلّ سپرده‌های خود هستند، با مراجعه به بانک سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های اقتصادی شرکت‌ها می‌توانند به هدف خود دست یابند. بنابراین، الگوی تفکیک تمام اهداف سپرده‌گذاران در بانک‌ها را پوشش می‌دهد و هیچ هدف و انگیزه‌ای را بی‌جواب نمی‌گذارد.

سپرده‌گذارانی هم که دارای روحیات گوناگون به لحاظ قبول ریسک یا فرار از آن هستند، می‌توانند با مراجعه به بانک سرمایه‌گذاری، شرکت مورد نظر خود را با توجه به سلیقه و روحیه‌شان انتخاب کنند.

همچنان‌که سپرده‌گذاران دارای روحیات متفاوتی هستند، شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز همان روحیات را دارا هستند. بنابراین، سپرده‌گذاری، که ریسک‌گریز است، شرکت سرمایه‌گذاری ریسک‌گریز را انتخاب می‌کند و سپرده‌گذاران ریسک‌پذیر به دنبال انتخاب شرکت‌های ریسک‌پذیر هستند. این در حالی است که تمام سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته می‌تواند تحت بیمهٔ شرکت‌های بیمه‌گر قرار گیرد و ریسک طرح‌ها را به مقدار قابل توجهی کاهش دهد.

۱۱. بررسی میزان انطباق الگو با میزان گستردگی شعب بانک و مطلوبیت استقرار مکانی آن‌ها

گستردگی شعب در مناطق گوناگون و در اماکن صنعتی، تجاری و مسکونی، یکی از

شاخصه‌های کارآمد بودن یک بانک است؛ زیرا این کار در جذب و جلب مشتریان و سپرده‌هایشان و حفظ و نگه‌داری آنها نقش مهمی ایفا می‌کند.

الگوی «تفکیک» از قابلیت بیشتری برای گستردگی شعب و مطلوبیت استقرار مکانی آن برخوردار است؛ زیرا این الگو به لحاظ اینکه تنها شامل دو نوع بانک می‌شود، با تقبّل هزینه‌های کمتری می‌تواند شعب خود را در اماکن گوناگون توسعه دهد و منابع بیشتری را از این طریق جذب کند.

شرکت‌های لیزینگ نیز به دلیل آنکه از مالکیت خصوصی برخوردارند و امکان تأسیس آن با سرمایهٔ اولیهٔ متوسطی وجود دارد، از امکان مناسبی برای گستردگی در اماکن گوناگون کشور برخوردارند.

لازم به ذکر است که ایجاد شعبه برای بانک‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ، فقط محدود به داخل کشور نمی‌گردد، بلکه این بانک‌ها و شرکت‌ها می‌توانند در خارج از کشور نیز در مناطقی که امکان جذب مشتری وجود دارد، وارد عمل شده، به دایر نمودن شعبات متعدد اقدام نمایند. کشورهای اسلامی مکان مناسبی برای افتتاح شعب بانک‌های الگوی تفکیک هستند. با توجه به اینکه عموم مسلمانان جهان دارای دغدغهٔ شرعی بودن معاملات خویش هستند و معاملات مشروع سودآور را بر معاملات مشابه غیرشرعی ترجیح می‌دهند و به لحاظ اینکه کشورهای اسلامی از بانک‌هایی که صرفاً معاملات شرعی انجام می‌دهند، تقریباً خالی هستند، ایجاد شعبه در این کشورها مشتریان زیادی را می‌تواند برای بانک‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری جذب کند.

۱۲. بررسی میزان انطباق الگو با شاخص مشتری‌مداری

مشتری‌مداری یکی از مهم‌ترین عوامل کارآمدی هر مجموعهٔ اقتصادی است. موفقیت صنعت بانک‌داری نیز با اهمیت دادن به مشتریان گره خورده است. موارد متعددی در فعالیت‌های بانکی وجود دارد که می‌تواند بر میزان رضایتمندی مشتریان تأثیرگذار باشد. این موارد، که نمود و بروز شاخص مشتری‌مداری است، عبارت است از: میزان تجهیز بانک‌ها به فناوری‌های جدید، میزان استفادهٔ بانک‌ها از کارکنان مشتری‌مدار، میزان سرعت انجام عملیات بانکی، میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها به منظور افزایش رفاه حال عمومی مشتریان، و میزان رعایت حقوق مشتریان در متن قراردادهای بانکی.

الگوی «تفکیک» نه تنها هیچ منافاتی با مشتری‌مدار بودن بانک‌ها نـدارد، بلکـه افـزایش رفاه عمومی مشتریان، هدفمند شدن مراجعهٔ مشتریان به بانک‌ها و جلـوگیری از سـردرگمی آنـان به عنوان برخی از اهداف این الگـو مطـرح گردیـده اسـت. تمـامی نمـود و بروزهـای شـاخص مشتری‌مداری در بانک‌ها ـ که به آنها اشاره گردید ـ با الگوی «تفکیک» همخوانی دارد.

مجهّز بودن بانک‌ها به فناوری‌های جدید، که نقش مهمی در جلـب رضـایت مشـتریان دارد، می‌تواند هم در بانک‌های قرض‌الحسنه، هم در بانـک‌هـای سـرمایه‌گـذاری و هـم در شرکت‌های لیزینگ محقق گردد. رابطهٔ تفصیلی الگوی «تفکیک» با شاخص مزبور در بحث انطباق این الگو با میزان استفاده از فنـاوری‌هـا، کـه خـود شـاخص مسـتقلی در کارآمـدی محسوب می‌گردد، بیان گردید.

در بحث انطباق الگوی «تفکیک» با میزان استفاده از نیروهای انسانی متعهد و متخصص بیان گردید که بانک‌های موجود در این الگـو بـرای کسـب موفقیـت، لازم اسـت حتمـاً از کارکنان متعهد و متخصص استفاده کننـد. روشـن اسـت کـه یکـی از مهـم‌تـرین مـوارد تهعـد و تخصص کارکنان یک بانک به حیطهٔ مشتری‌مداری و نحوهٔ برخورد آنان با مشتریان بانک مربـوط می‌گردد. پس الگوی «تفکیک» از این لحاظ نیز به دنبال جلب رضایت مشتریان خواهد بود.

یکی دیگر از مواردی که می‌توان به وسیلهٔ آن، در پی جلب بیشتر مشـتری بـرای بانـک بود، میزان سرعت انجام عملیات بانکی است. این نیز ارتباط تنگاتنگی از یک‌سو، با مجهّـز شدن بانک‌ها به ابزار و وسایل الکترونیکی، و از سوی دیگر، با میـزان اسـتفاده بانـک‌هـا از کارکنان متعهد و متخصص دارد؛ زیرا این دو عنصر می‌تواند انجام عملیات بانکی مورد نیاز مشتریان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن و کسب رضایت آنان را در پی داشته باشد. بـا توجـه به اینکه الگوی «تفکیک» از همخوانی و سازگاری صددرصد با دو عنصر مزبـور برخـوردار است، بنابراین از این نظر نیز یک الگوی بانکی مشتری‌مدار محسوب می‌گردد.

سرمایه‌گذاری در زمینه‌های گوناگون، مانند تهیهٔ فضای مناسب برای تالار انتظار و محل نشستن مشتری در پشت باجه به منظور حفظ آرامش کامل مشتریان، استفاده از دستگاه‌های نوبت‌ده الکترونیکی، جلوگیری از ایجاد صفوف شلوغ و نامنظم در پشت باجه‌های بانک‌ها، و تابلوهای اطلاع‌رسانی و راهنمایی مشتریان، کـه بـه منظـور افـزایش رفـاه حـال عمـومی

مشتریان و مراجعه‌کنندگان و ادای احترام به آنها صورت می‌گیرد، در بانک‌های الگوی «تفکیک» نیز قابل اجراست.

الگوی «تفکیک» در خصوص رعایت حقوق مشتریان در متن قراردادهای بانکی نیز می‌تواند رضایت مشتریان را جلب نماید. در بانک قرض‌الحسنه، در بخش سپرده‌گذاری، نیاز چندانی به وجود قرارداد احساس نمی‌گردد، و اگر قراردادی هم در بین باشد به موجب آن، هیچ حقی از مشتری ضایع نمی‌گردد؛ زیرا بانک قرض‌الحسنه متعهد است که وجوه سپرده‌گذاری‌شده را هر زمان که سپرده‌گذار از بانک مطالبه کند، در اختیارش قرار دهد. در بخش تجهیز منابع و قراردادهای مربوط به عملیات قرض‌دهی نیز حقوق مشتریان محفوظ است؛ زیرا بر اساس چنین قراردادی، وام‌گیرنده باید مبلغ وام را در اقساط مشخص به بانک برگرداند، و در صورتی که تخلفی از این نظر صورت گرفته باشد و وام‌گیرنده اقساط وام را به‌موقع به بانک برنگرداند، چنین تخلفی از ناحیهٔ وام‌گیرنده محسوب می‌شود و بانک قرض‌الحسنه تقصیری ندارد. دربارهٔ قراردادهای بانک سرمایه‌گذاری با سپرده‌گذاران، لازم به ذکر است که قرارداد اصلی بین سپرده‌گذاران و شرکت‌های سرمایه‌گذاری منعقد می‌گردد و بانک فقط حق دریافت اجرت از طرفین را دارد. بنابراین، بانک در چنین مواردی، چندان ذی‌نفع نیست که به خاطر آن، قراردادها را به نفع خود تنظیم نموده نماید.

۱۳. بررسی میزان انطباق الگو با پایین بودن میزان مطالبات معوّق بانکی

پایین بودن میزان مطالبات معوّق بانکی، اعم از مبالغ نکول شده و اقساطی که با تأخیر به بانک می‌رسد، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی یک بانک محسوب می‌گردد. هر طرح و الگوی بانکی که بتواند با استفاده از ابزارهای ضمانتی و وثیقه‌گیری، از بروز مطالبات معوّق جلوگیری کند و اصل منابع تخصیص داده شده را به همراه سود آن به بانک برگرداند، الگویی موفق و کارآمد است. برای مقابله با بروز مطالبات معوّق بانکی، راه‌کارهای گوناگون در بانک‌ها در نظر گرفته شده است. دریافت ضمانت‌ها و وثیقه‌های سنگین از دریافت‌کنندگان تسهیلات پیش از اعطای تسهیلات به آن‌ها، جریمهٔ تأخیر پرداخت اقساط، و تشویق پرداخت‌کنندگان بموقع نمونه‌هایی از این راه‌کارهاست. ولی مهم این است که انگیزه‌های افرادی که در پرداخت اقساط بانکی تأخیر می‌کنند، بررسی شود.

افرادی که اقساط خود را بموقع نمی‌پردازند، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: برخی افراد به دلیل مشکل مالی و اعسار، توانایی پرداخت اقساط را ندارند. برخی دیگر نیز با وجود توانایی در پرداخت، به دلایل متعددی از پرداخت اقساط خویش خودداری می‌کنند. ممکن است دلیل برخی از افراد این گروه، اعتقاد به ربوی بودن تسهیلاتی است که از بانک دریافت کرده‌اند؛ یعنی چنین کسانی معتقدند: بانک از آنها ربا می‌گیرد. پس به منظور ضربه زدن به بانک، از پرداخت اقساط خویش اجتناب می‌ورزند.

در الگوی «تفکیک»، به دلیل اینکه اعتقاد به ربوی بودن تسهیلات بانکی از بین می‌رود و بانک قرض‌الحسنه تمامی وجوه خود را بدون دریافت سود در اختیار وام‌گیرندگان قرار می‌دهد، بنابراین افراد دلیلی برای عدم پرداخت اقساط بانک قرض‌الحسنه نخواهند داشت. پس میزان مطالبات معوّق بانکی در بانک‌های قرض‌الحسنه پایین خواهد بود.

در بانک‌های سرمایه‌گذاری نیز این قابلیت وجود دارد که مطالبات معوّق، پایین‌تر باشد. بر حسب تعریفی که از بانک‌های سرمایه‌گذاری شده است، این بانک شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری متوسط و بزرگ را تأمین مالی می‌کند و سود حاصل از مشارکت و اصل سرمایه را زمانی که سپرده‌گذار مطالبه کند، تحت شروطی که در متن قرارداد به امضای طرفین رسیده است، به سپرده‌گذاران برمی‌گرداند. در چنین حالتی می‌توان با گرفتن وثیقه‌های سنگین و ضمانت‌های لازم از این شرکت‌ها و به اجرا گذاشتن وثیقه‌ها و ضمانت‌ها، تا حد زیادی از بروز مطالبات معوّق جلوگیری نمود. به دلیل آنکه تسهیلات پرداخت‌شده به شرکت‌های متوسط و بزرگ، رقم بالایی را شامل می‌گردد، به اجرا گذاشتن وثیقه‌ها و اقدامات لازم قضایی، دارای توجیه اقتصادی است.

در شرکت‌های لیزینگ، در مواردی که از عقد «اجاره به شرط تملیک» استفاده شود، دریافت‌کنندگان کالاها انگیزهٔ اقتصادی بیشتری برای پرداخت حق‌الاجاره دارند؛ زیرا دریافت‌کنندهٔ کالا تنها زمانی مالک آن می‌شود و کالا به نام وی ثبت می‌گردد که وی تمامی اجاره‌بها را پرداخت کرده باشد. بنابراین، وی برای آنکه بتواند از مالکیت کالا بهره‌مند شود، دوست دارد اقساط آن را در زمان‌های مشخص به لیزینگ برگرداند و از تأخیر در پرداخت آنها اجتناب می‌کند. ولی در عقد «فروش اقساطی»، که کالا از اول به ملکیت دریافت‌کنندهٔ

کالا درمی‌آید، امکان تأخیر در پرداخت اقساط یا نکول آن منتفی نیست و برای جلوگیری از این پدیده، باید از وثیقه‌ها و ضمانت‌های لازم استفاده شود.

۱۴. بررسی میزان انطباق الگو با میزان تأثیرگذاری تسهیلات بانکی در رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور

یکی دیگر از اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی نظام بانک‌داری به میزان تأثیرگذاری و سهم آن در رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور مربوط می‌گردد. «الگوی بانکی کارآمد» به الگویی گفته می‌شود که تسهیلات اعطایی آن به رشد و پیشرفت اقتصادی کشور کمک نماید. مؤلّفه‌ها و نمود و بروزهای شاخص مزبور را می‌توان در میزان مولد بودن، تورم‌زدایی، اشتغال‌زایی، محرومیت‌زدایی تسهیلات بانکی و تزریق آن به تمامی بخش‌های اقتصادی دانست.

الگوی «تفکیک» از قابلیت مناسبی برای مولّد بودن تسهیلات بانکی برخوردار است؛ زیرا علاوه بر اینکه بانک سرمایه‌گذاری به طور تخصصی وارد مقولهٔ تولید گردیده و تمامی منابع آن مستقیماً به امر تولید واقعی تخصیص داده می‌شود، بخشی از منابع بانک قرض‌الحسنه نیز به صورت تسهیلات مولد در اختیار شرکت‌های تولیدی کوچک قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، شرکت‌های لیزینگ با قرار دادن کالاهای سرمایه‌ای در اختیار متقاضیان، موجبات تولید بیشتر را فراهم می‌سازند.

با توجه به اینکه جریان سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های کوچک و متوسط در زمان کمتری صورت می‌گیرد و این بنگاه‌ها زودتر به مرحلهٔ بازدهی و تولید محصول می‌رسند، و با در نظر گرفتن عنایتی که در الگوی «تفکیک» دربارهٔ تأمین مالی چنین شرکت‌هایی وجود دارد، می‌توان انتظار داشت که با اجرایی شدن این الگو، تسهیلات بانکی موجبات افزایش تولید در اقتصاد کشور را فراهم نمایند.

مؤلّفهٔ دیگری که می‌تواند نشانگر رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور از طریق تسهیلات بانکی باشد، تورّم‌زدایی تسهیلات است. اگر تسهیلات بانکی بدون مدیریت درست اقتصادی و بر اساس یک الگوی بانکی ناکارآمد تخصیص داده شود، نه تنها نقش تورّم‌زدایی نخواهد داشت، بلکه نقش مهمی در افزایش تورّم ایفا خواهد کرد. تسهیلات بانکی زمانی نقش تورّم‌زایی خواهد داشت که در امر تولید واقعی به کار گرفته نشود. در

چنین صورتی، به دلیل آنکه در مقابل پول تخصیص داده شده کالا یا خدمتی وجود نـدارد، سطح قیمت‌ها بالا خواهد رفت. ولی اگر تسهیلات بانکی در مسیر تولید واقعی و سـودآور قرار بگیرد، نقش تورّم‌زایی نخواهد داشت و چنانچه میزان تولید محصول در حـدّ مطلـوب و بهینه باشد، سطح قیمت‌ها پایین آمده، تسهیلات بانکی نقش تورّم‌زدایی خواهد داشت. از توضیحاتی که دربارهٔ نقش تولیدآوری تسهیلات بانکی در الگوی «تفکیک» داده شد، نتیجـه گرفته می‌شود که تسهیلات اعطایی بانک‌های موجود در این الگو، نقش تورّم‌زایی نـدارد و اگر تولیدآوری در حدّ قابل قبولی صورت گیرد تورّم‌زدا هم خواهند بود.

با توجه به اینکه فرایند تولید همواره نیازمنـد نیـروی کـار اسـت، اشـتغال‌زایـی لازمـهٔ جدایی‌ناپذیر آن دسته از تسهیلات بانکی است که در مسیر تولید قرار می‌گیـرد. تسـهیلات بانکی در الگوی «تفکیک» نیز به دلیل دارا بودن ماهیت تولیدی، اشتغال‌زایی و کاهش نـرخ بیکاری را در پی خواهـد داشـت. تمرکـز بیشـتر بـر تـأمین مـالی شـرکت‌هـای تولیـدی و سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط، که یکی از ویژگی‌های الگوی «تفکیک» اسـت، مـی‌توانـد افراد بیشتری را مشغول فعالیت‌های تولیدی نماید.

یکی دیگر از مؤلّفه‌های رشد و توسعهٔ اقتصادی، که با تسـهیلات بـانکی مـرتبط اسـت، امکان برخورداری تمامی بخش‌های اقتصادی کشـور از تسـهیلات بـانکی اسـت. در تمـام بخش‌های اقتصادی، همچون صنعت، کشاورزی، حمل و نقل و خـدمات سـرمایه‌گـذارانی وجود دارند که با کمبود نقدینگی مواجهند. تسهیلات بانکی زمـانی مـی‌توانـد بـه صـورت واقعی به رشد و توسعهٔ کشور کمک نماید که تمامی بخش‌ها را مورد توجـه قـرار دهـد. از این طریق، اقتصاد کشور بـه سـمت رشـد و توسـعهٔ متـوازن حرکـت مـی‌کنـد. در الگـوی «تفکیک» هیچ محدودیتی برای استفادهٔ بخش‌های گوناگون اقتصادی از تسهیلات بانـک‌هـا وجود ندارد و هم بانک‌های قرض‌الحسـنه و سـرمایه‌گـذاری و هـم شـرکت‌هـای لیزینـگ می‌توانند نیازهای مالی موجود در تمام بخش‌های اقتصادی را تأمین نموده، رشد و توسـعهٔ متوازن را برای اقتصاد کشور به ارمغان آورند.

همچنان‌که امکان برخورداری از تسهیلات بانکی نباید محدود به چند بخـش اقتصـادی باشد، استفاده از آن نیز نباید صرفاً به مناطق آباد و مرفّه اختصاص یابد. بلکه مناطق محروم

و کم درآمد نیز باید بتوانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. بنابراین، یکی دیگر از ویژگی‌های آن دسته از تسهیلات بانکی، که در خدمت رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور است، محرومیت‌زدایی از مناطق محروم و کم درآمد کشور است. الگوی «تفکیک» قابلیت آن را دارد که از سرمایه‌گذاری‌هایی که در مناطق محروم صورت می‌گیرد، بیشتر حمایت کند. برای نیل به این منظور، بانک سرمایه‌گذاری می‌تواند تأمین مالی شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های موجود در مناطق محروم را در اولویت قرار دهد، و اگر شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری حاضر به فعالیت در مناطق محروم نباشند و یا تعداد شرکت‌های تولیدی در آن مناطق به حدّ مطلوب نرسیده باشد، بانک قرض‌الحسنه می‌تواند وارد میدان شده، کارآفرینان و شرکت‌های تولیدی کوچک در مناطق محروم را با اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه، تأمین مالی کند و محرومیت را از چهرهٔ این مناطق بزداید. شرکت‌های لیزینگ نیز از این قابلیت برخوردارند که قسمتی از اموال خود را در اختیار ساکنان مناطق محروم قرار دهند و به محرومیت‌زدایی از آنها کمک نمایند.

۱۵. بررسی میزان انطباق الگو با میزان واقعی بودن معاملات بانکی

صوری بودن عقود و عدم تطابق معاملات واقعی با مقتضای قراردادهای بانکی، علاوه بر اینکه با اشکال شرعی مواجه است، اختلال اقتصادی را نیز در پی دارد. به همین دلیل، وجود چنین پدیده‌ای کارآمدی بانک را در حوزهٔ تخصیص منابع تضعیف می‌کند.

معاملات بانکی صورت‌گرفته در الگوی «تفکیک» تا حدّ زیادی حالت واقعی دارد. در معاملات بانک قرض‌الحسنه، هیچ زمینه‌ای برای صوری بودن آن وجود ندارد. در شرکت‌های لیزینگ نیز، که خود کالاها – و نه مبلغ آن‌ها– مبادله می‌شود، زمینه‌ای برای صوری شدن معاملات وجود ندارد. ولی در تسهیلات بانک سرمایه‌گذاری– همان‌گونه که در شاخص فقهی صوری نبودن بیان گردید– صوری نبودن کاملاً منتفی نیست و امکان عدم تطابق معاملات واقع شده در خارج با معاملات نوشته شده در متن قراردادها وجود دارد. البته میزان صوری بودن این‌گونه معاملات در مقایسه با الگوی کنونی ناچیز به نظر می‌رسد و الگوی «تفکیک» می‌تواند با نظارت بر فعالیت‌های صورت گرفته و اعطای تسهیلات به صورت تدریجی و بر اساس پیشرفت سرمایه‌گذاری‌ها، از صوری بودن معاملات جلوگیری نماید.

۱۶. بررسی میزان انطباق الگو با میزان ساده بودن متن قراردادهای معاملات بانکی

یکی دیگر از شاخص‌های کارآمدی یک الگوی بانکی، ساده و رسا بودن متن قراردادهای آن است. یک الگوی بانکی موفق الگویی است که از قراردادهایی با متون و شروط پیچیده خودداری کرده، از عقود و الفاظی استفاده کند که برای مشتریان خود قابل فهم باشد. الگوی «تفکیک» از چنین قابلیتی برخوردار است؛ زیرا در بانک قرض‌الحسنه، تنها از عقد «قرض» استفاده می‌شود که واژه‌ای آشنا برای عموم مردم است؛ چنان‌که بیشتر مشتریان بانک‌ها حتی تسهیلات دیگر غیر قرضی بانک‌ها را هم به نام «قرض» می‌خوانند. عقود مشارکتی نیز، که در بانک سرمایه‌گذاری به کار گرفته می‌شود، واژه‌های نامأنوسی نیست. دو عقد مبادله‌ای «اجاره به شرط تملیک» و «فروش نسیه‌ای» هم که در شرکت‌های لیزینگ انجام می‌گیرد، از وضوح بیشتری برخوردار است. بنابراین، الگوی تفکیک می‌تواند برای رسیدن به این منظور، از کلمات روشن و ساده‌ای که عرف مردم با آنها آشنایی دارند، استفاده کنند و از گنجانیدن شروط و قیود غیر لازم در متون قراردادها خودداری نمایند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که در ارزیابی و بررسی میزان انطباق الگوی «تفکیک» با شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که این الگو شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب را به نحو مطلوبی برآورده می‌کند. با شمارش موارد ارزیابی میزان انطباق الگوهای تفکیک با شاخص‌های مطرح‌شده و ضرب آن در عدد سه، در مواردی که هریک از بانک‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری و شرکت‌های لیزینگ از یک نوع ارزیابی برخوردارند، و با فرض یکسان بودن وزن تمام شاخص‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که در الگوی تفکیک ٤٩/١٥ درصد انطباق کامل (٢٩مورد)، ٤٤/٠٦ درصد امکان انطباق کامل (٢٦مورد)، و ٥/٠٨ درصد عدم انطباق کامل(٣ مورد) وجود دارد. اگر مجریان این الگو بتوانند موارد امکان انطباق را نیز به مرحله فعلیت برسانند، در این صورت، الگوی «تفکیک» ٩٣/٢١ درصد با شاخص‌های بانک‌داری اسلامی مطلوب انطباق خواهد داشت که یک درجه انطباق بسیار قابل قبولی است.

پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک: محمود عیسوی، ***ساختار بازار سرمایه در اسلام***، پایان‌نامه دکتری اقتصاد.

۲. ر.ک: محمود عیسوی، ***ساخت مالی متوازن و متناسب برای نظام مالی کشور، نقد و نظر اقتصاد اسلامی***، تدوینِ محمدجواد توکلی.

۳. ر.ک: پرویز داودی و حسین صمصامی، ***به سوی حذف ربا از نظام بانکی(از نظریه تا عمل)***.

٤. ر.ک: محمدجواد محقق‌نیا، ***ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران***، پایان‌نامه دکتری.

۵. پرویز داودی و حسین صمصامی، همان، ص۱۱۳.

٦. ر.ک: محمدجواد محقق نیا، همان.

۷. پرویز داودی و حسین صمصامی، همان.

۸. همان، ص۱۱٤-۱۱۷.

۹. همان، ص۱۲۲. در این الگو بنگاه‌های خرد به بنگاه‌هایی اطلاق می‌گردد که نیاز مالی آنها کمتر از ۵۰۰ میلیون ریال باشد.

۱۰. همان، ص۱۱۸-۱۲۳.

۱۱. همان، ص ۱۲۲. شرکت‌هایی که نیاز مالی آنها بیش از ۵۰۰ میلیون ریال و کمتر از ۱۰ میلیارد ریال باشد، شرکت‌های متوسط و شرکت‌هایی که نیاز مالی آنها بیش از ۱۰ میلیارد ریال باشد، شرکت‌های بزرگ محسوب می‌گردند.

۱۲. همان، ص۱۲٤.

۱۳. منوچهر آریان‌پور کاشانی، ***فرهنگ همراه پیشرو***، ص٤۷٤.

۱٤. ر.ک: سیّدحسین میری و پیمان حبیبی، ***بررسی تطبیق لیزینگ در چرخه اعتباری کشور***، در: مجموعه مقالات پانزدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی.

۱۵. حسب تعریف، شرکت های تولیدی کوچک از طریق بانک قرض الحسنه تامین مالی می‌شوند.

۱٦. محمود عبدالرحمن، ***معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه***، ج۳، ص۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

آریان‌پور کاشانی، منوچهر، ***فرهنگ همراه پیشرو***، چ بیست و هشتم، تهران، نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان‌رایانه، ۱۳۸۱.

داودی، پرویز و حسین صمصامی، ***به سوی حذف ربا از نظام بانکی(از نظریه تا عمل)***، تهران، ایران، دانایی توانایی، ۱۳۸۹.

عبدالرحمن، محمود، ***معجم الاصطلاحات و الالفاظ الفقهیه***، بی‌جا، بی‌تا.

عیسوی محمود، ***ساختار بازار سرمایه در اسلام***، پایان‌نامه دکتری اقتصاد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.

ـــــ ***ساخت مالی متوازن و متناسب برای نظام مالی کشور، نقد و نظر اقتصاد اسلامی***، تدوینِ محمدجواد توکلی، قم، رواق دانش، ۱۳۹۰.

محقق‌نیا، محمدجواد، ***ساختار بانک‌داری اسلامی و ارائه الگویی برای بانک‌داری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران***، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

میری، سیدحسین و پیمان حبیبی، ***بررسی تطبیق لیزینگ در چرخه اعتباری کشور***، در: مجموعه مقالات پانزدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸٤.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی